

Mohsenaneh action: phenomenology of work (case study of Mashhad literacy movement)

Mohammadjavad Yadollahzadeh, PhD student of sociology at Ferdowsi University, Mashhad, Iran.
(Corresponding Author). mjyadollahzadeh@mail.um.ac.ir.

Mohammadreza Ghaeminik, Assistant Professor, Department of Social Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. ghaeminik@Razavi.ac.ir

Abstract

According to any life style and theory about it, “work” also finds a different meaning. The Islamic revolution also created a world view and a life style, which is logically to define a different meaning of work. Considering the need of the society after the Islamic Revolution for education, the literacy movement was formed under the influence of the Islamic Revolution in 1358, and in it, a meaning of work emerged that had special and distinct characteristics compared to other meanings of work. In this article, an attempt has been made to analyze the concept and meaning of the work that has been in the literacy movement, focusing on the literacy movement in Mashhad, as the basis of its members’ activities. Because the influence of Islamic-Iranian foundations was important for the research in this article, we have tried to avoid ourselves from the relativistic methodology. Therefore we have complete this research by adjusting the phenomenology method and have try to use the doctrines of Henry Corbin in Phenomenology. The findings of the research indicate that the meaning in the eyes of the members of the literacy movement of Mashhad, which we have obtained through 50 interviews and the analysis of two oral history books in this field by the phenomenological method, corresponds to the Qur’anic meaning of work, that is benevolent action.

Keywords

Work, Islamic Revolution, Literacy Movement, Mohsenaneh Action, Phenomenology.



عمل محسنانه: پدیدارشناسی کار (مطالعه موردی نهضت سوادآموزی مشهد)

محمدجواد یداللهی زاده^۱، محمدرضا قائمی نیک^۲

چکیده

متناسب با هر صورتی از زندگی و نظریه‌ای درباره آن، «کار» نیز معنای متفاوتی می‌یابد. انقلاب اسلامی نیز جهان‌بینی و سبکی از زندگی را ایجاد کرد که طبیعی است معنای متفاوتی از کار را نیز رقم بزند. با توجه به نیاز جامعه بعد از انقلاب اسلامی به آموزش، نهضت سوادآموزی تحت تاثیر نیروی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ شکل گرفت و در آن، معنایی از کار سربرآورد که ویژگی‌های خاص و متمایزی نسبت به دیگر معانی کار داشته است. سعی شده است تا این مفهوم و معنای کار که در نهضت سوادآموزی، با تمرکز بر نهضت سوادآموزشی در مشهد، به‌عنوان مبنای فعالیت اعضاء آن بوده است، مورد پژوهش قرار گیرد. به جهت اهمیت مبانی اسلامی- ایرانی، برای فاصله گرفتن از مبانی نسبی‌گرایانه سعی کرده‌ایم تا با تعدیل روش‌شناختی در روش پدیدارشناسی این پژوهش به سرانجام برسد و در این راستا تلاش شده است از آموزه‌های کربن در پدیدارشناسی استفاده شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که معنای حاضر در نزد اعضاء نهضت سوادآموزی مشهد که از طریق ۵۰ مصاحبه و تحلیل دو کتاب تاریخ شفاهی در این زمینه به روش پدیدارشناسی به آن‌ها دست یافته‌ایم، متناظر با معنای قرآنی از کار در مفهوم عمل محسنانه بوده است.

واژگان کلیدی

کار، انقلاب اسلامی، نهضت سوادآموزی، عمل محسنانه، پدیدارشناسی.



مقدمه

نگرش فرد و جامعه به «کار» امری مهم برای پیشرفت جوامع است. مطابق با پژوهش‌های علمی در ایران، اکثر کارکنان سازمان‌ها با کار خود عجین نمی‌شوند و تمایل به کاهلی و وقت‌گذرانی دارند و فرهنگ کار پایینی در کشور حاکم است (نهادی و مقدم اصل، ۱۳۹۵؛ یزدانی خوراسگانی، ۱۳۹۰؛ کمربگی و رشیدی، ۱۳۹۴). مطابق با داده‌های موجود تاریخ شفاهی در حوزه نهضت سوادآموزی، نگرش فعالان این حوزه، خصوصاً در سال‌های ابتدایی تشکیل آن، نگرشی کاملاً متفاوت به امر «کار» بوده است و در مصاحبه‌ها نیز کنش‌گران این حوزه به این امر اذعان داشته‌اند که کار برای آن‌ها معنایی متفاوت نسبت به نگرش فعلی به این موضوع داشته است.

برای توضیح بیشتر می‌توان گفت معانی، اموری اشتراک‌پذیر هستند و برخلاف نظریات مدرن پیرامون معنا، همچون نظریه پیرس، مبتنی بر نظریه کشف در حکمت اسلامی، معنا دارای حقیقت است و نسبی نیست (آرزوئیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۶ - ۴۱). از این رو معانی، اموری اصیل و حقیقی هستند و نقش مهمی در ساخت جامعه و امر اجتماعی دارند. بنابراین معانی تجلی‌یافته در دوران پسانقلاب (خصوصاً سال‌های اولیه) مسبب فعالیت‌های بزرگ انقلاب اسلامی بوده است. بر این اساس معناکاوی این معانی از کار می‌تواند برای ترسیم راه پیشرفت در آینده انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

سازمان نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۵۸ به دستور امام خمینی (ره) در جهت ریشه‌کنی بی‌سوادی تشکیل شد و به اذعان سازمان‌های بین‌المللی، این نهضت در دستیابی به این هدف کاملاً موفق بوده است (Sedgwick, 2000: 13).

در پیام امام خمینی (ره) برای تشکیل نهضت سوادآموزی چنین آمده است: «... اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته‌کننده برای مبارزه با بی‌سوادی به‌طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم تا ان‌شاءالله در آینده نزدیک هر کسی نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد. ... برادران و خواهران ایمانی! برای رفع این نقیصه درآورد بسیج شوید و ریشه این نقص را از بن برکنید. ... من از ملت عزیز امید دارم که با همت والای خود بدون فوت وقت ایران را به صورت مدرسه‌ای درآورند و در هر شب و روز و در اوقات بی‌کاری یکی دو ساعت را صرف این عمل شریف نمایند. بپا خیزید که خداوند متعال با شماست» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

مضامین مورد توجه در پیام امام خمینی برای تشکیل نهضت سوادآموزی را می‌توان

در موارد زیر بیان کرد:

- تاکید بر وظیفه شرعی بودن آموزاندن و شرکت در این نهضت؛
- پرهیز از روال‌های اداری متعارف؛
- بسیج عمومی برای حل مسئله اجتماعی (ریشه کن کردن بی‌سوادی)؛
- استفاده از تمامی امکانات موجود ولو کوچک؛
- منتظر نماندن برای فعالیت‌های دولت در این زمینه؛
- بسیج ظرفیت‌های تبلیغاتی موجود برای دعوت مردم برای شرکت در این نهضت نظیر دعوت امام جمعه‌ها از مردم.

سدویک معتقد است چشم‌گیرترین دستاورد نظام اسلامی ایران در امر آموزش، سازمان نهضت سوادآموزی بوده است. اگرچه به نظر او برآوردها متفاوت است، اما سواد در ایران از تقریباً ۴۵ درصد قبل از انقلاب به تقریباً ۸۰ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت. بین سنین ۱۰ تا ۲۴ سالگی، این درصد به تقریباً ۹۳ درصد افزایش یافت (Sedgwick, 2000: 14).

بر این اساس سازمان نهضت آموزی، مجموعه‌ای بوده است که با استفاده از نیروهای داوطلب مردمی توانسته مسئله اجتماعی مشخصی (بی‌سوادی) را شناسایی کند و آن را به شکل قابل توجهی حل کند و به نظر می‌رسد، یکی از علل مهم این امر، نگرش کنش‌گران این حوزه به امر «کار» بوده است، زیرا معنایی که کنش‌گران نسبت به کار دارند، تا حدی زیادی در جهت‌دهی و پیشبرد فعالیت‌ها موثر است. این مقاله بر اساس مصاحبه‌های تاریخ شفاهی صورت پذیرفته در دفتر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی انجام شده است. دو کتاب با نام‌های «معلم حسابی» و «من به این آم اعتماد دارم» و همچنین ۵۰ مصاحبه عمیق گرفته شده از فعالین نهضت سوادآموزی پیاده‌سازی شد و مبتنی بر روش پدیدارشناسی، این داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های فراوانی پیرامون کار در سطح جهان انجام شده است. در پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، مباحث مربوط به نگرش به کار و شغل در کانون توجه بوده است، زیرا نگرش شغلی و ارزش‌های کاری مقدماتی برای نتایج مهم فردی و سازمانی مانند عملکرد و حفظ کارکنان هستند (Schleicher, Hansen & Fox, 2011: 137). در تجربه نهضت سوادآموزی در کشور، خصوصاً در سال‌های ابتدایی تشکیل

آن، مصاحبه‌ها حاکی از آن است که این کنش‌گران، چندان خود را به اموری نظیر کار در ساعت کاری مقید نمی‌دانستند و کار خود را در چارچوب ساعت کاری تعریف نمی‌کردند. پژوهش‌ها نشان‌دهنده آن است برخی از کسانی که به دنبال ارتقاء شغلی هستند یا درگیری کاری بالایی دارند، تمایل به کار کردن در بیرون از ساعت کاری را دارند (Boswell, Olson-Buchanan, 2007: 592).

اتامن و سلیمان (۲۰۱۳) در پژوهش خود به مسئله چرایی نگرش ضعیف به کار پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که شاغلان مالزیایی به طور گسترده بر این عقیده بودند که انگیزه ضعیف، آموزش و توسعه ناکافی و ناامنی شغلی از علل احتمالی نگرش ضعیف به کار هستند. نگرش ضعیف به کار ممکن است شامل تنبلی، بی ادبی، تأخیر، شایعه‌سازی یا هر فعالیت یا رفتار دیگری باشد. این نوع نگرش، سازمان را از رسیدن به اهداف اصلی آن باز می‌دارد و اگر یکی از کارمندان یا کارگران شروع به بیان نارضایتی خود کند، این نارضایتی به سایرین نیز منتقل خواهد شد. از این رو برای مدیریت منابع انسانی مناسب باید نگرش شاغلان به کار خود را جدی گرفت (Othmana, Suleiman, 2013: 195).

توکوهومویوا^۱ (۲۰۱۲: ۳۵) در مطالعه خود نشان داد که انگیزه سازمانی به شکل پاداش، جریمه‌ها و تحریم‌ها باعث بهبود اطاعت‌پذیری کارگران می‌شود. به نظر جوینر^۲ و باکالیس^۳ (۲۰۰۶: ۴۴۱) درگیری شغلی نشان‌دهنده آن است که شاغل چقدر نسبت به اهداف یک سازمان علاقه مند، درگیر و مشغول است. افراد با درگیری شغلی بالا به سختی به ترک شغل خود فکر می‌کنند و سازمان می‌تواند روی آن‌ها حساب کند (Brown, 1996: 240) با نگاه به پژوهش‌های صورت پذیرفته پیرامون انگیزه شغلی و پدیدارشناسی کار در ایران و جهان هیچ کدام بر تاثیر معانی دینی بر شکل‌گیری نگرش مثبت به کار توجه نکرده‌اند و این امر مطمح نظر پژوهش حاضر بوده است.

تعریف مفاهیم

الف) نگرش شغلی

با توجه به موضوع پژوهش حاضر که «پدیدارشناسی کار» است، نزدیک‌ترین موضوع نظری به این امر که در پژوهش‌های علمی به آن توجه شده است، نگرش

1. Tukamuhabwa
2. Joiner
3. Bakalis

شغلی است. از این رو به پژوهش‌ها و نظریات این حوزه پرداخته می‌شود. در تعبیر نگرش شغلی، نگرش به معنای مقدمه‌ای برای قصد رفتاری تعریف شده است (Abu Bakar, et al, 2006: 693). نگرش به شغل در ذیل فرهنگ کار تعریف می‌شود و فرهنگ کار در هر جامعه‌ای نسبت به جامعه دیگر متفاوت است و همچنین در هر سازمانی نسبت به سازمانی دیگر تفاوت دارد.

بررسی نگرش شغلی از این جهت اهمیت دارد که نگرش‌های مربوط به شغل، نظیر درگیری شغلی^۱ و تعهد سازمانی رابطه مثبتی با رفتارهای کاری کارگران دارد (Panatik, et al, 2012: 378)، زیرا سازمان‌ها متوجه شده‌اند که مهم‌ترین دارایی آن‌ها کارمندان‌شان هستند (Glen, 2006: 38). شاغلان راضی و باانگیزه برای پیشرفت سازمان، حیاتی هستند و عاملی هستند که سازمان مورد نظر را از سایر سازمان‌ها متفاوت می‌کنند (Meyer, et al, 1998: 41).

ب) درگیری شغلی

مفهوم درگیری شغلی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین پدیدارشناسی «کار» در میان آموزش یاران نهضت سوادآموزی داشته باشد.

به گفته خان^۲ و نعمتی^۳ (۲۰۱۱: ۲۲۴۲) و لوباکایا^۴ (۲۰۱۴: ۸۳)، درگیری شغلی عبارت است از ادراک روان‌شناختی یک فرد از کار یا اهمیت کار در تصویر فرد از خود، درگیری شغلی برخلاف ادراک نارضایتی در نظر گرفته می‌شود یا می‌توان گفت رضایت شغلی زیربنای درگیری شغلی است (Kanungo, 1982: 342).

کانونگوه (۱۹۸۲: ۳۴۳) به این نتیجه رسید که درگیری شغلی احتمالاً تابعی از این امر است که شغل چقدر می‌تواند نیازهای فوری یک شاغل را برآورده کند. علاوه بر این، او دریافت افرادی که درگیری شغلی بالایی داشتند، شغل خود را بخش مهمی از هویت خود در نظر می‌گیرند. درگیری شغلی به شدت تحت تأثیر ادراک فرد نسبت به کار است. افراد ممکن است به دلیل ویژگی‌های خاص کارشان، با مشاغل خود درگیر شوند (Joby Jose, 2014: 280).

ج) فعالیت داوطلبانه

مطابق با مصاحبه‌های انجام شده با آموزشیاران نهضت سوادآموزی و تحلیل داده‌ها، از منظر آن‌ها «کار» به مثابه «فعالیت داوطلبانه» نیز فهم می‌شود. هسکی^۱ و بارگال (۲۰۰۸: ۷۸-۶۸). در پژوهش خود، متناسب با دوره‌های داوطلبی که ۵ مرحله دارد، فعالیت‌ها، احساسات، روابط، انگیزه و تعهد و نگرش‌ها و تصورات را بیان می‌کند. در این پژوهش دوره‌های حضور داوطلبان در سازمان‌های داوطلبی از ابتدای ثبت نام تا کناره‌گیری از سازمان بیان شده است. در ابتدای حضور داوطلبان، آن‌ها تا جایی که می‌توانند برای سازمان کار می‌کنند اما پس از مدتی (تقریباً یک الی دو سال) اکثر داوطلبان از ادامه حضور در سازمان داوطلبانه انصراف می‌دهند. در فرایند داوطلبی، گرچه در نهایت اکثر داوطلبان از حضور در سازمان کنار می‌کشند، اما نگرش آن‌ها نسبت به اصلاح اجتماعی برای همیشه تغییر خواهد کرد.

خیمنز^۲ و همکاران (۲۰۱۰: ۳۴۸-۳۴۴) با بررسی ۱۳۰ داوطلب با بیش از ۸ سال سابقه کار و ۱۱۰ داوطلب با زیر یک سال سابقه، مدلی سه مرحله‌ای طراحی کردند. این مدل بیان می‌کند که در مرحله اول، داوطلبان تا زمانی به خدمت ادامه خواهند داد که انگیزه‌های مورد نظرشان مورد توجه باشد و ادامه یابد. داوطلبان در مرحله دوم وارد تعهد سازمانی خواهند شد و در مرحله سوم هویت نقشی درون آن‌ها به وجود خواهد آمد. بر اساس چارچوب نظری پئر (۲۰۰۲: ۴۵۳-۴۴۹) عوامل متعددی برای حفظ داوطلبان نقش دارند: عوامل محیطی، متغیرهای اجتماعی-جمعی، باورها و ارزش‌ها، متغیرهای شخصیتی، متغیرهای سازمانی و متغیرهای هویت شخصی.

مبانی نظری پژوهش

بهترین چارچوب نظری برای انجام چنین پژوهشی که سعی در صورت‌بندی معنایی متمایز از کار را با رجوع به تجربه عملی افراد در جریان نهضت سوادآموزی دارد، چارچوب نظری پدیدارشناختی است، زیرا در این چارچوب، معنای کار در نزد کنشگر اجتماعی مورد پژوهش قرار می‌گیرد. در میان نظریات جامعه‌شناختی با رویکرد پدیدارشناسی، نظریه آلفرد شوٹس به دلیل اهمیتی که به معنایی که کنشگر اجتماعی از تجربه زیسته‌اش می‌دهد، با موضوع این پژوهش قرابت دارد. شوٹس، به دلیل نگاه بر ساخت‌گرایانه به امر معنا، معتقد است آنچه که پژوهشگر از تجربه زیسته

فهم می‌کند، قطعاً با آنچه که کنش‌گر از کنش خود می‌فهمد متفاوت است و نمی‌توان این دو فهم را کاملاً یکسان دانست. بنابراین چون محقق، کنش را در زمینه معنایی خود تفسیر می‌کند، متفاوت با معنایی است که کنش‌گر نسبت به کنش خود دارد (Schütz, 1967: 106). شوتس این دو نوع از معنا را با عناوین معنای ذهنی و معنای عینی از یکدیگر تفکیک می‌کند (Wagner, 1970: 320). به‌علاوه مبتنی بر دیدگاه شوتس، او به دنبال الصاق معنا به کنش از منظر وبر است و بنا بر این ایده، نظریات پدیدارشناسانه خود را مطرح می‌کند. از این‌رو به اعتقاد شوتس، فهم درست یک عمل در گرو دستیابی به محرک‌ها و انگیزه‌های عمل است و مفهوم نوع مثالی را به‌مثابه ابزاری برای درک رویدادها و جریان‌های اجتماعی با بهره‌گیری از فهم تفسیری مطرح می‌کند (پارسانیا و طوطیان، ۱۴۰۰: ۷۵-۷۴).

با این حال چارچوب نظری شوتس به‌تنهایی نمی‌تواند موضوع این پژوهش را پوشش دهد، زیرا چنانکه در ادامه به تفصیل اشاره خواهد شد، معنای کار در نزد کنشگران نهضت سوادآموزی، متأثر از معنای باطنی دینی است که از جهان نفس‌الامری حقایق دینی تأثیر پذیرفته است، درحالی‌که نظریه شوتس، معنا را امری برساخته می‌داند که صرفاً در جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.

با توجه به این مقدمه، ما در این پژوهش، ناگزیر از تعدیل روش‌شناختی نظریه شوتس هستیم. این تعدیل روش‌شناختی را از دو جهت انجام داده‌ایم. از یک‌سو با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه صدرالمتهلین شیرازی و قرائت اجتماعی از آن در توضیح چگونگی تکوین جهان اجتماعی، سعی کرده‌ایم نشان دهیم که از این منظر، جامعه و کنش جمعی چه معنایی خواهد داشت. از سوی دیگر بر اساس مبانی حکمت متعالیه و با نظر به روش کشف‌المحجوب هانری کربن، روش پدیدارشناسی (که مبتنی بر معنای برساخته است) را بر اساس «کشف» معانی کنشگر بازخوانی خواهیم کرد. نتیجه این تعدیل روش‌شناختی آن است که معنای کنش‌های اجتماعی، در جهان اجتماعی، برساخته محض نیستند، بلکه متأثر از حقایق نفس‌الامری شکل می‌گیرند و پژوهشگر اجتماعی آنها را مطابق روش کشف‌المحجوب، کشف می‌کند.

تحول در معنای جامعه و کنش اجتماعی

حمید پارسانیا در کتاب جهان‌های اجتماعی، ترکیب افراد جامعه را یک اعتبار ذهنی محض نمی‌داند، زیرا هر فرد، موقعیت مخصوص به‌خود را در جامعه دارد و نهایتاً ترکیب اجتماعی افراد، یک ترکیب اعتباری نیست بلکه ترکیبی حقیقی خواهد

بود (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۲۰). این در حالی است که بنابر نگاه پدیدارشناسانه در علوم اجتماعی، از جمله نظریه شووتس، معنا امری برساختی است که خارج از بینا ذهنیت، هیچ موجودیتی نخواهد داشت (Schütz, 1962: 59)، اما در نظریه پارسانیا، معنا امری حقیقی و نفس‌الامری است که انسان‌ها با آن اتحاد برقرار می‌کنند.

در توضیح ترکیب حقیقی جامعه باید گفت که مبتنی بر حکمت صدرایی، صور علمی دارای مجرد هستند و از این رو تغییر و حرکتی در آن‌ها وجود ندارد و این انسان‌ها هستند که می‌توانند با این معانی اتحاد برقرار کنند. نفوس انسانی به دلیل «اتحاد عالم و معلوم» با متحدشدن با صور علمی، آن‌ها را وارد زندگی و حیات انسانی خود می‌کنند و از سویی دیگر به دلیل اتحاد با معلوم خود، انسان‌ها با یکدیگر نیز اتحادی حقیقی را شکل می‌دهند. بر این مبنا، صور علمی‌ای که در حوزه زندگی مشترک انسان‌ها قرار دارند، سبب می‌شوند که انسان‌ها با یکدیگر وحدت برقرار کنند (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

در مجموع مبتنی بر نظریه جهان‌های اجتماعی پارسانیا که مبتنی بر اصالت وجود حکمت متعالیه است، معانی به وساطت افراد انسانی، هویت بین‌الذهانی و عمومی پیدا می‌کنند و این معانی هستند که به متن زندگی و رفتار اجتماعی وارد می‌شوند و باورها، عادت‌ها، نهادها و کنش‌های اجتماعی را شکل می‌دهند. بر اساس نظریه او، این مرتبه، جهان فرهنگ است. بر این اساس، «فرهنگ صورت تنزل یافته معنا به عرصه فهم عمومی و رفتارهای مشترک و کنش‌های اجتماعی است» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

یکی از لوازم مهم نظریه فرهنگ پارسانیا که در این پژوهش باید بدان توجه کرد این امر است که «افراد در حرکت به سوی آن صور به گونه‌ای مختار و فعال برخورد می‌کنند و تا هنگامی که در عالم طبیعت به سر می‌برند، امکان بازگشت و اعراض از آن صور را دارند» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

دیدگاه پارسانیا با ابتدای بر حکمت متعالیه، ساحت آگاهی و قصد انسان را متقدم بر کنش‌گری او می‌داند و از این رو موضوعات علوم اجتماعی از منظر این رویکرد فلسفی نیز پدیده‌هایی نیت‌مند خواهند بود. «بحث درباره تبیین یا تبیین‌انگیزی است که پدیدارشناسی مطرح کرده است، حکمت متعالیه با پذیرش علت غایی (انگیزه) در کنش و فعل انسانی و از سوی دیگر با ارجاع علت غایی به علت فاعلی، تبیین‌انگیزی را در حوزه انسانی می‌پذیرد» (پارسانیا و سلطانی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

در نظر پارسانیا، جهان معانی در واقعیت امر، در جهان نخست قرار دارند. حال اگر افراد با آن معانی متحد شوند، وارد جهان ذهنی آن‌ها نیز خواهد شد و اگر افراد

جامعه با آن معانی متحد شوند، آن معانی جهان اجتماعی آن‌ها را صورت خواهد داد. بر این اساس، شناختی که پژوهشگر اجتماعی از جهان اجتماعی به دست خواهد داد، شناختی واقع‌گرایانه و نه برساختی است. به تعبیر دیگر بر اساس اینکه جامعه مورد شناسایی، چه مدینه فاضله و چه مدینه جاهله، پژوهشگر به دنبال دست یافتن به آن معانی‌ای است که افراد جامعه با آن اتحاد برقرار کرده‌اند و شواهدی که از مصاحبه‌ها با کنش‌گران به دست می‌آید، در حکم امارات و نشانه‌هایی برای آن اتحاد وجودی با حقایق نفس‌الامری هستند که پس از این اتحاد، از طریق افراد به جهان اجتماعی منتقل می‌شوند.

با توجه به آنکه حکمت صدرایی قائل به تفکیک میان خیال متصل و خیال منفصل است، از این‌رو زیست‌جهان شکل‌گرفته در مدینه جاهله، مبتنی بر خیال متصل است که افراد با اتصال و اتحاد وجودی در خیال متصل، با آن هم‌افق خواهند شد. به تعبیر دیگر چون نفس انسانی به دلیل لطافت خود، به هر چه روی می‌آورد، همان می‌شود، از این‌رو افراد با هم متحد می‌شوند و زیست‌جهان مشترک را شکل می‌دهند. برخلاف مدینه جاهله، در مدینه فاضله، افراد با اتحاد و اتصالی وجودی با خیال منفصل متحد می‌شوند. پس بر این مبنای، در مدینه فاضله، خیال متصل با خیال منفصل مطابقت داشته و متحد می‌شود و در نتیجه، زیست‌جهان چنین جامعه‌ای مبتنی بر معانی صحیح و حق خواهد بود (پارسانیا و سلطانی: ۱۳۹۰: ۱۲۰-۱۱۸).

در این نظریه، به دلیل اینکه افراد جامعه از طریق اتحاد با معانی، با یکدیگر متصل می‌شوند و یک جهان اجتماعی را شکل می‌دهند، اگر پژوهشگری حوزه معانی کنش‌گران را شناسایی کند (چه پژوهشگر با آن معانی ارتباط برقرار کرده باشد و چه نکرده باشد)، می‌توان قائل به فهم معانی کنش‌گر توسط پژوهشگر شد و بنابراین فهم در نگاه پارسانیا و شوتس متفاوت خواهد بود. از منظر پارسانیا اگر پژوهشگر بتواند آن معانی به تجلی درآمده در جامعه را که افراد جامعه با آن متحد شده‌اند را نشان دهد، فرایند فهم رخ داده است، اما از منظر شوتس، به دلیل ماهیت برساختی معنا، فرایند فهم عبارت است از نزدیک شدن معانی ساخته شده توسط پژوهشگر (که از طریق پژوهش پیرامون کنش به دست آمده است)، به معانی کنش‌گر است و ماهیتا این

۱. به نظر می‌رسد از منظر فلسفه صدرایی، پژوهشگری که با معانی متعالی اتحاد برقرار کرده باشد می‌تواند جامعه ضاله را بشناسد اما کسی که با معانی مورد توجه جامعه ضاله متحد شده است نمی‌تواند به معانی متعالی جامعه فاضله دست یابد. گرچه این امر نیازمند پژوهش بیشتر است اما شاید علت آنکه پژوهشگران غربی نتوانسته‌اند انقلاب اسلامی را به خوبی بشناسند را باید در این امر جست و جو کرد.

معانی نیز برساخته‌ای اجتماعی به شمار می‌آیند و واقعیتی بیرون از حیطه اجتماع برای آن‌ها نمی‌توان قائل شد.

روش شناختی

با توجه به تمایز نگاه پارسانیا و شوتس، اکنون می‌توان تعدیل روش شناختی پدیدارشناسی شوتس را در قیاس با کشف‌المحجوب هانری کربن دریافت. در دیدگاه‌های مختلف پدیدارشناسی، پدیدارشناسان بیشتر به توصیف دست اول یک پدیده می‌پردازند تا اینکه به این موضوع بپردازند که چرا شرکت‌کنندگان، زندگی را به نحوی خاص تجربه می‌کنند. در نتیجه پدیدارشناسی به دنبال به تصویرکشیدن جوهر تجربه است. پدیدارشناسان به انواع تجربیات انسانی علاقه‌مند هستند که می‌تواند هم شامل امور روزمره، مانند حضور در خانه و هم تجربیات دراماتیک زندگی روزمره باشد، مانند اینکه قربانی خشونت خانگی بودن چگونه است. پدیدارشناسان بر این باورند که تجربه انسان از دنیای روزمره، راهی معتبر برای تفسیر جهان است. بنابراین، آن‌ها این تصور را رد می‌کنند که سنت تجربی علمی منفصل از تجربه زیسته، روش برتر پژوهش است (Eddles-Hirsch, 2015: 251).

نکته مهم در مطالعات پدیدارشناسی این است که پدیده مورد مطالعه از دریچه واقعیات پذیرفته شده اندازه‌گیری یا تعریف نمی‌شود بلکه این نوع مطالعات با این هدف که چگونه کنش‌گران دنیای روزمره خود را ادراک می‌کنند، انجام می‌شود. بنابراین پژوهش پدیدارشناسی با سایر روش‌های پژوهش کیفی تفاوت دارد زیرا تلاش می‌کند تا ماهیت یک پدیده را از دیدگاه شرکت‌کنندگانی که آن را تجربه کرده‌اند، درک کند (Christensen et al, 2010: 121) و در این نوع پژوهش، تمرکز بر خود شرکت‌کنندگان یا جهانی که در آن زندگی می‌کنند نیست، بلکه بیشتر بر معنا یا ماهیت رابطه متقابل بین این دو است. (Merriam, 2009: 178).

در مقابل، روش کشف‌المحجوب هانری کربن، اگرچه همچون روش‌های پدیدارشناختی، به دنبال کشف و توصیف معنا است، اما مطابق با دیدگاه پارسانیا، معانی را دارای حقایق نفس‌الامری می‌داند. کربن توانست با طرح نظری خود، به نوعی «دانش فرهنگ معنوی» را صورت بندی کند. این طرح نظری با سنت دینی قرابت دارد و توانسته است از اشکالات بنیادین مربوط به نگاه برساخت‌گرایانه و نسبی‌انگاران نسبت به واقعیت اجتماعی فاصله بگیرد. طرح کربن مبتنی بر مبانی فلسفه

اشراقی و حکمت شیعی و پدیدارشناسی صورت بندی شده است (پارسانیا و وکیلان، ۱۳۹۳: ۳۳). مسئله اساسی رویکردهای مدرن و پست مدرن در نگاه به دین و معانی دینی آن است که این رویکردها، دین را به عنوان امری فی نفسه و اصیل به رسمیت نمی‌شناسند و از این رو، جایگاهی برای معانی دینی نیز قائل نخواهند بود. در حالیکه در نظریه فرهنگ پارسانیا، جوامع حقیقتاً می‌توانند با معانی دینی اتحاد برقرار کنند و این اتحاد صرفاً جنبه بین‌الذہانی ندارد بلکه علاوه بر آن، از سوی جهان نخست که جهان نفس الامر است، نیز پشتیبانی می‌شود و آن معانی تقرر و تحقق خارجی دارند. در این میان، مزیت طرح کربن از این جهت حائز اهمیت است که او به دین و معانی برآمده از امر دینی، به مثابه اموری که دارای تحقق خارجی هستند، نگاه می‌کند. یکی از مبانی مهم کربن «اصالت واقعه معنوی» است. کربن بر این عقیده بود که وقایعی وجود دارند که تجربی نیستند و توسط حواس انسان قابل شناسایی نیستند و لیکن حوادثی در ملکوت هستی هستند. به عقیده او، واقعه دینی، امری قدسی است که قابل تقلیل دادن به امور دیگر نیست بلکه مبدأ تبیین دیگر پدیده‌ها است. مدعای کربن آن است که نباید دین و فرهنگ را دو امر جدا از هم در نظر گرفت، بلکه واقعه دینی است که به فرهنگ معنوی شکل می‌دهد (پارسانیا و وکیلان، ۱۳۹۳: ۳۸).

به نوعی می‌توان این نظر کربن در مورد واقعه دینی و شکل دهی به فرهنگ معنوی را بر مدینه فاضله فارابی تطبیق داد و مطابق با نظریه فرهنگ پارسانیا نیز این امر بدین معناست که جامعه توانسته است با معانی دینی اتحاد برقرار کند و با توجه به آنکه معانی در کنش‌ها و زندگی روزمره وارد شده‌اند، فرهنگ متناسب با خود را، که می‌توان آن را فرهنگ معنوی نامید، پدید می‌آورند.

روش کربن، نوعی پدیدارشناسی امر قدسی و تاویل میان وجه باطنی واقعه دینی و پدیدارهای ظاهری فرهنگی است. در این روش، برخلاف پدیدارشناسی‌های متعارف، هدف این نیست که معناسازی صورت پذیرد بلکه می‌خواهد با استعلا از جنبه تاریخی-اجتماعی برای کشف صورت مثالی آن و برقراری پیوند میان ظاهر و باطن اقدام شود. پژوهشگر در این روش، می‌خواهد با استفاده از کشف المحجوب، برای شناخت حقیقت معنوی و باطنی پدیدارها طرحی ارائه دهد. به همین دلیل کربن خود را به هیچ مکتبی از مکاتب پدیدارشناسی ملتزم نمی‌داند (پارسانیا و وکیلان، ۱۳۹۳: ۴۳ و ۴۴). بر این اساس، مشخص می‌شود که چرا کربن طرح نظری خود را کشف المحجوب می‌داند، زیرا او می‌خواهد با استفاده از امور پدیداری به امر باطنی که امر

اصیل است، نقب بزند.

در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا با بررسی میدانی واقعیت اجتماعی از طریق مصاحبه با آموزشیاران نهضت سوادآموزی، به معنایی دینی که امر باطنی موجود در کنش‌هاست و آن‌ها را شکل داده است، دست یابیم. این معانی باطنی در لوای معنای خاصی از کار جلوه‌گر شده است که در نزد این آموزشیاران وجود داشته است و کار را در این معنای خاص برای آنها معنادار می‌کرده است.

یافته‌های پژوهش

در یک مطالعه پدیدارشناختی، متن مصاحبه عمیق، اساس داده‌ها را تشکیل می‌دهد. از طریق توصیف شرکت‌کنندگان از پدیده مورد بررسی است که محقق می‌تواند ساختارها یا جوهرهای ثابت پدیده مورد بررسی را کشف کند. با این حال در کشف‌المحجوب، علاوه بر مراجعه به این داده‌ها، معانی نفس‌الامری که این کنش‌ها در پرتو آنها شکل گرفته است، مورد توجه پژوهشگر قرار می‌گیرد و تحلیل داده‌ها را با نظر به این حقایق نفس‌الامری، کشف می‌کند. در پژوهش حاضر تلاش شده است، معنای دینی مورد توجه در معنای «کار» با نظر به این تعدیل روش شناسانه استخراج شود.

در پژوهش حاضر، از کتاب‌های «معلم حسابی^۱» و «من به این آرم اعتقاد دارم^۲» و همچنین ۵۰ مصاحبه صورت گرفته از آموزش یاران نهضت سوادآموزی برای تحلیل پدیدارشناختی استفاده شده است. با توجه به اینکه داده‌های بسیاری از این اسناد، به تجربه مصاحبه شونده‌ها از امر «کار» اختصاص داشته است، از این رو می‌توان ادعا کرد که مبتنی بر این اسناد می‌توان کاری پدیدارشناسانه صورت داد. تمامی مصاحبه‌های مورد توجه در این پژوهش ضبط و پیاده نویسی شده است و سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، متن این مصاحبه مورد بررسی پدیدارشناختی قرار گرفته‌اند. سؤال‌های طراحی شده این مصاحبه‌ها عمداً به شکل باز طراحی شده بودند تا به شرکت‌کنندگان این فرصت داده شود تا افکار و نظرات خود را پیرامون کنش‌گری در نهضت سوادآموزی بیان کنند. از سوی دیگر، این داده‌ها در پرتو فهم حقایق

۱. کتاب «معلم حسابی» خاطرات شفاهی صدیقه جعفری‌نیک از فعالان نهضت سوادآموزی دهه شصت مشهد است و در سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات راه یار به چاپ رسیده است.

۲. کتاب «من به این آرم اعتماد دارم»؛ محصول ۲۵۰ مصاحبه تاریخ شفاهی با آموزشیاران نهضت سوادآموزی خراسان است و در سال ۱۳۹۸ انتشارات راه یار آن را به چاپ رسانده است.

نفس الامری کار تحلیل می‌شوند. برای فهم حقیقت نفس الامری موثر بر معنای کار در نزد این آموزشیاران، به معنای این مفهوم در تفسیر المیزان مراجعه کرده‌ایم تا بتوانیم بر اساس این معنا، معانی داده‌های مصاحبه‌ها را کشف نماییم.

تحلیل داده: کار به‌مثابه عمل محسنانه

در پاسخ به پرسش اول، می‌توان گفت بر اساس تحلیل یافته‌های پژوهش، معنای محوری‌ای که «کار» را برای کنشگران نهضت سوادآموزی معنا می‌کند، «کار به‌مثابه عمل محسنانه» است. شواهد این نتیجه در ادامه بیان می‌شود. با این حال با توجه اتخاذ نظریه جهان‌های اجتماعی پارسا، می‌توان داده‌های ارائه شده را در حکم امارات و نشانه‌هایی برای اتحاد جامعه با این معنا در نزد معنای نفس الامری از جمله قرآن دانست؛ البته این امر را باید در نظر گرفت که اتحاد با معنای نیز دارای شدت و ضعف است.

احسان در جهان معنای نفس الامری: تحلیل مفهومی احسان در قرآن کریم

در پاسخ به پرسش سوم، باید به معنای نفس الامری و حقیقی عمل محسنانه یا مفهوم احسان در قرآن توجه داشت، زیرا همانطور که بیان شد از منظر پارسا، معنای ذکرشده در جهان اجتماعی، در جهان نفس الامری، تقرری حقیقی دارند از این رو باید معنای، در جهان نفس الامری نیز مورد تحلیل قرار گیرند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، برای احسان دو معنا را بر می‌شمرد: «احسان را دو معنا است، یکی همان انجام دادن عمل است به وجه حسن و نیکویش و بدون اینکه در آن هیچگونه قصد سوئی در کار باشد. چنان که در سوره کهف می‌فرماید: ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات انا لا نضیع اجر من احسن عملا و نیز در آل عمران که می‌فرماید: الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرح للذین احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم، احسان به همین معنا استعمال شده است. دوم احسانی است که به دیگران هم می‌رسد، و آن کارهای پسندیده است که چیزی از آن که خوش آیند باشد عاید غیر هم بشود، و در آیه و بالوالدین احسانا و نیز در آیه: و احسن کما احسن الله الیک احسان به همین معنا است، کما اینکه در آیه مورد بحث به معنای اول است، به این بیان که تقوای دینی تنها با ایمان به خدا و تصدیق به حقانیت دین و بدون ایمان تفصیلی به یک یک احکام آن، حقیقت آنطور که باید ادا نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۹۰).

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «و احسنوا ان الله یحب المحسنین» بقره/ ۱۹۵، پیرامون معنای احسان چنین توضیح می‌دهد: «منظور از احسان خودداری و امتناع

ورزیدن از قتال، یا رافت و مهربانی کردن با دشمنان دین و امثال این معانی نیست، بلکه منظور از احسان این است که هر عملی که انجام می‌دهند خوب انجام دهند، اگر قتال می‌کنند به بهترین وجه قتال کنند و اگر دست از جنگ بر می‌دارند، باز به بهترین وجه دست بردارند، و اگر به شدت یورش می‌برند یا سخت‌گیری می‌کنند، باز به بهترین وجهش باشد و اگر عفو می‌کنند به بهترین وجهش باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴۷). احسان عبارت است از انجام دادن هر عملی به وجه حسن و بدون عیب، هم از جهت استقامت و ثبات، و هم از جهت اینکه جز برای خدا نبوده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۰).

بر این اساس، احسان در دو معنا در قرآن کریم استعمال می‌شود: یکی معنای انجام دادن عمل به بهترین نحو دیگری انجام عمل به نحوی که خیری به دیگران برسد. البته به نظر می‌رسد، وجه اصلی معنای احسان، انجام دادن عمل به بهترین نحو است و در خیر رساندن به دیگران نیز معنای «بهترین نحوه عمل» نهفته است.

البته با توجه به آنکه به نظر می‌رسد علامه طباطبایی پیرامون «الوزن یومئذ الحق» معتقد است که میزان همه اعمال، بهترین نحوه عمل از همان سنخ و دارای همه شرایط ظاهری و باطنی است «آن میزانی که در قیامت اعمال با آن سنجیده می‌شود همانا حق است، به این معنا که هر قدر عمل مشتمل بر حق باشد به همان اندازه اعتبار و ارزش دارد، و چون اعمال نیک مشتمل بر حق است از این رو دارای ثقل است. ... برای هر کسی میزان‌های زیادی به اختلاف اعمال وی هست، حق در نمازش نماز واقعی و جامع همه اجزا و شرایط است و حق در زکاتش زکات جامع شرایط است، خلاصه، حق در نماز، غیر حق در روزه و زکات و حج و امثال آن است». (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۲)، از این رو عمل محسنانه انجام دادن می‌تواند بدین گونه معنا شود که فرد بنا بر مقدرات خود در حدی که در توانش هست، بهترین نحوه عمل را انجام دهد. به نظر علامه طباطبایی، در صورتی که عمل بدون توجه به رضایت خداوند انجام شود هرگز عملی محسنانه نخواهد بود و فرد هر چه در بهتر انجام دادن عمل بکوشد، عمل محسنانه نیست. بر این اساس، هنگامی عمل در بهترین شکل خود انجام خواهد شد که حتما رضای خداوند در کار دخیل باشد «... احسان در آیات احقاف، اصل و ریشه است برای احسان به مردم، چرا که اگر احسان به خلق، برای خدا نباشد نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، آری از آیات سابق از قبیل آیه مثل ما ینفقون فی هذه الحیوة الدنیا... و امثال آن بر می‌آید که احسان به مردم زمانی در نزد خدا دارای منزلت است

که برای رضای او انجام شده باشد. دلیل بر این گفته ما این آیه شریفه است: و الذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبنا و ان الله لمع المحسنین» (طباطبایی، ۱۳۸۷: ج ۴).
در روایت نبوی در کنز الاعمال چنین آمده است «الإحسان أن تعبد الله كأنك تراه فإن لم تكن تراه فإنه يراك» بنابراین احسان را باید مقام دانست و این مقام، مقام «کأن» است که پایین تر از مقام «آن» خواهد بود.

احسان در جهان اجتماعی: عمل محسنانه در نهضت سوادآموزی مشهد

اشاره شد که بر اساس نظریه جهان‌های اجتماعی پارسا، می‌توان داده‌های ارائه شده را در حکم امارات و نشانه‌هایی برای اتحاد جامعه با این معنا دانست؛ البته این امر را باید در نظر گرفت که اتحاد با معانی نیز دارای شدت و ضعف است. در این دیدگاه، اگر افراد جامعه با معانی جهان نخست و معانی نفس‌الامری متحد شوند، آن معانی، جهان اجتماعی یا جهان سوم آن‌ها را صورت خواهد داد. در این بخش، در پاسخ به پرسش سوم، معنای احسان در جهان اجتماعی و رابطه آن با مفاهیم مشابه مورد توجه قرار می‌گیرد. مدعای این پژوهش آن است که کنش‌های صورت گرفته در جهان اجتماعی، مبتنی بر اتحاد کنش‌گران با معنای «احسان» در معنای نفس‌الامری و قرآنی آن بوده است.

در این پژوهش برای پاسخ به این سوال که معنای کار در نزد آموزش یاران نهضت سوادآموزی مشهد چه بوده است، دو کتاب و همچنین ۵۰ مصاحبه عمیق با آموزش یاران مورد تحلیل قرار گرفته است که مفهوم محوری کار در «عمل محسنانه» صورت‌بندی می‌شود. در ادامه مفاهیم جزئی‌تر این مفهوم محوری و شواهد آن در کتاب‌ها و مصاحبه‌ها بیان می‌شود:

۱. کار برای رضای خدا

همانطور که بیان شد، در عمل محسنانه کار برای رضای خدا نقشی بسیار محوری دارد. این معنا در سه معنای جزئی‌تر تبیین می‌شود:

۱-۱. مقدس بودن کار

در عبارت‌هایی که مصاحبه‌شوندگان نقش کرده‌اند، می‌توان معنای مقدسی از کار برای رضای خدا را مشاهده کرد. احمد غزنوی، معتقد است «چون کارها برای خدا بود ما خسته نمی‌شدیم». فردی دیگر بیان داشته است «هر کار زمین مانده‌ای دیگری را هم انجام می‌دادم قربه الی‌الله» (شرفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۸). عبارت‌های مشابه با این عبارات نیز حاکی از همین معنا بوده است: «ما می‌خواستیم دل امام زمان را از خودمان

شاد و راضی کنیم، زمان اول انقلاب اینطوری بودیم». آن‌ها «خیلی کار می‌کردند، خیلی اخلاص داشتند».

۲-۱. کار به‌مثابه خدمت

مفهوم دیگری که در میان مصاحبه‌ها دیده می‌شود، تلقی کار برای رضای خدا به مثابه نوعی خدمت است. «نهضت سوادآموزی برای من خدمت بدون منت بود. خدمت یعنی روز که می‌رفتم تا شب با عشق کار می‌کردیم». «اجازه ندادیم پدر و مادرم‌مان به روستا بیایند، چون می‌دانستیم اگر اینجا را ببینند دیگر نمی‌گذارند، کار کنیم. ما سرباز انقلابیم و این راهی است برای ادای دین». «این انقلاب که پیروز شد اینها با تمام وجود آمدند توی میدان و کار انجام می‌دادند، خدمت می‌کردند». «وقف شده بودیم یعنی نه شب داشتیم، نه روز داشتیم، نه خواب داشتیم، نه خوراک». «مگر کار برای مردم، ساعت و وقت می‌شناخت؟»

۳-۱. راحتی تحمل سختی‌ها برای تحقق هدف

غلبه هدف مقدس در میان بیانات و گفته‌های مصاحبه‌شوندگان باعث تسهیل و راحتی دشواری‌های کار برای رضای خدا می‌شده است. «چون کارها برای خدا بود ما خسته نمی‌شدیم». «زمان هم نمی‌شناختیم». «کار برای خدا سخت است... خانم آموزشیار هفت سال آنجا ماند. همان کسی که گریه می‌کرد و می‌خواست برگردد، وقتی داشت از روستا می‌رفت، اشکش بند نمی‌آمد» (شرفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۸). «خستگی برایم بی‌معنا بود».

۴-۱. احساس وظیفه

یکی دیگر از مفاهیم سرنوشت‌ساز در تعریف معنای کار برای رضای خدا در میان این آموزشیاران، احساس وظیفه‌ای است که آنها در قبال انجام کارشان داشته‌اند. «کلاً کار ما در نهضت بر مبنای احساس وظیفه و دستور امام بود». «بیشتر این بود که براساس دغدغه کار می‌کردند». «واقعاً یک حسی از درون می‌جوشید، بعد می‌گفت اینجا برو، آنجا برو، آن کار تمام می‌شد می‌رفتم سراغ کاری دیگر».

۲. عدم محوریت انگیزش‌ها و پاداش‌های مادی

کار در معنای مدرن، عموماً رابطه مستقیمی با پاداش‌های مادی دارد، این در حالی است که در نکات مطرح در مصاحبه‌ها، انجام کارها متضمن چندان پاداش مادی‌ای نبوده یا به‌تعبیر دقیق‌تر، پاداش مادی، محوریت نداشته است. این معنا را می‌توان در مفاهیم مشابهی دنبال کرد:

۱-۲. محوری نبودن درآمد مادی

این معنا را می‌توان با جزئیات دقیق و ناظر به نحوه پرداخت حق الزحمه‌ها و دریافت آنها مشاهده کرد. «۴۰۰ هزار تومان پول بود، گذاشتند روی میز به بچه‌ها هم گفتند هر کسی هر چقدر می‌خواهد بردارد، خودش هم رفت. همه از همان نفر اول یا معادل همان را یا کمتر از آن را نوشتند. آخر هم یک مقدار پول همان جا ماند». «آقای جعفرنیا با آنکه مستاجر بود، یکبار ۲۵۰ تومان پول را برگرداند. ... گفت اندازه خرجم برداشتم، کرایه خانه را دادم و هرچه نیاز داشتیم، کوپنی گرفتم. این پول‌ها اضافی است» (شرفی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۹). «هیچ وقت به چشم شغل به تدریس‌هایم نگاه نکردم، چون معتقد بودم با این نوع نگاه، همه چیز را مفت باخته‌ام» (استادی، ۱۴۰۰: ۲۸۷). «تنها چیزی که آن موقع برای تشکیل کلاس‌های نهضت به ذهنم نمی‌رسید، همین حقوق و مزایای نهضت بود» (استادی، ۱۴۰۰: ۱۳۱).

۲-۲. بی‌اهمیتی پاداش و بهره‌مندی‌های اقتصادی

اهمیت نداشتن پاداش‌های مادی در بی‌اهمیتی بهره‌مندی‌های اقتصادی و روابط اداری خاصی که برقرار بوده است، نیز دیده می‌شود. «ما مطلقاً توی نهضت صبحانه نمی‌خوردیم. صبحانه را خانه می‌خوردیم، از سرویس نهضت هم خیلی کم استفاده می‌کردیم». «ما تا سال ۷۱-۷۰ اضافه‌کار در تشکیلات نداشتیم، حق مأموریت نداشتیم». «بیشتر این بود که براساس دغدغه کار می‌کردند لزوماً این نبود که در قبالش باید رفاه و امکانات و امتیازات و حقوق بالا باشد». «تا سال ۷۰، یک ریال هم حق مأموریت نداشتیم، فقط تا سقف ۵ تا یک تومانی حق داشتیم در مأموریت‌ها چیزی بخوریم» (شرفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۵).

۳-۲. بی‌اهمیتی اعتبار و منزلت اجتماعی کار

مفهوم مورد نظر، علاوه بر اقتضائات اداری و اقتصادی، متضمن تحولی در روابط اجتماعی نیز بوده است. «گاهی توی روستاها می‌خوابیدیم، گاهی توی روستاها گیر می‌کردیم و توی کوچه می‌خوابیدیم». «آموزشیار در کار کشاورزی و دامداری روستائیان همراهشان بود. بعضی وقت‌ها آنقدر حس صمیمیت بین روستایی‌ها و آموزشیار عمیق بود که وقتی آموزشیار را از روستا می‌بردیم، مردم گریه می‌کردند». «- ننه تو کی معلم حسابی می‌شی؟ - ایران خانوم جان، من الانم معلم!» (استادی، ۱۴۰۰: ۲۷۳). «هیچ کس هم قرار نبود به ما بگوید بارک‌الله خوب کاری کردید یا تشویق بکند».

۳. نتیجه محوری

مقصود از این مقوله آن است که برای کنش گران، رسیدن به نتیجه کار بسیار مهم بوده است و کار را با انگیزه رسیدن به هدف انجام می دادند و به همین دلیل، به همه جوانب توجه می کردند. این مقوله را مفاهیم زیر مرتبط است:

۱-۳. عدم پابندی به زوائد بوروکراتیک

نتیجه محوری کار در معنای جهادی آن، متضمن حذف زوائد بوروکراتیکی است که معمولاً در سازمان های رسمی دیده می شود. «وقتی دوره می گذاشتند حکم رسمی برای کار به کسی نمی دادند، می رفتیم دو، سه نفر می شدیم و کار را می چرخاندیم». «یکی از آقایانی که توی سالن بود گفت «دورشو گذروندی؟» گفتم تازه هفته پیش امتحانامون تموم شده. ... از فردای آن روز دوره های آموزشی رو شروع کردیم». «آن موقع کارها همه انقلابی بود؛ اما الان یک بنر بخواهید بزنید چند هفته طول می کشد تا جواب موافقت بدهند یا مخالفت».

۲-۳. همکاری برای به ثمر رسیدن

نتیجه محوری کار با نظر به ویژگی جهادی بودنش، متضمن همکاری بی شائبه بوده است. «همه بچه ها وقتی به ایشان می گفتید هر کاری غیر از کار موظف خوشان انجام می دادند یعنی اینطوری نبود که بگویند این کار ما نیست. خیلی از کارها با هماهنگی بچه ها حل می شد». «با مردم یکی بودیم، مردم با ما یکی بودند، برای همدیگر خیلی کار می کردیم».

۳-۳. فعالیت در خارج از حیطه وظیفه شغلی

در کارهای جمعی نظیر نهضت سوادآموزی، معمولاً کارهای پیش بینی نشده ای وجود دارد که شامل وظایف رسمی و تعیین شده افراد نیست. یکی از ویژگی هایی که معنای کار در این نهضت را متمایز از کار در معانی مدرن می کرده است، فعالیت بیش از وظیفه در حیطه مقرر شده است. «هر گوشه کار یک جایی می لنگید، ما جمع و جورش می کردیم». «آچار فرانسه بودیم، هر کاری که از دستمان برمی آمد کوتاهی نمی کردیم. قبل از اینکه کلاس شروع شود، ورزش می کردیم. تمرین نظامی به آنها آموزش می دادیم، آمادگی جسمانی کار می کردیم و نماز جماعت می خواندیم». «هم کار فرهنگی می کردم هم کار آموزشی». «اگر سوادآموزی دماغ بود، کنارش می نشستیم و حالش را می پرسیدم. اگر می توانستم دغدغه ذهنی اش را رفع می کردم تا ذهنش آماده یادگیری شود». «کار معلم فقط آموزش نیست، زمانی رسالتش را انجام داده که حواسش

به همه جوانب کار باشد» (استادی، ۱۴۰۰: ۱۲۶).

۳-۴. صرف وقت فراوان برای پیشرفت کار

نتیجه محوری کار نیازمند صرف وقت کافی برای تحقق کارها بوده است. ما ۶ صبح می آمدیم، ساعت کار نهضت هفت و نیم بود تا ۴، ولی حداقل تا ۱۰ شب مشغول به کار بودیم، برخی اوقات تا ساعت ۱۰ شب به عنوان وظیفه کار می کردیم. زودترین شبی که به خانه برمی گشتم ساعت یازده و نیم شب بود. آموزش یارها همه آمده بودند درس بدهند، اما هر کاری از دستشان برمی آمد انجام می دادند. خودم مسئول مالی بودم، هم آموزش و هم آمار و هر کار زمین مانده ای دیگری را هم انجام می دادم (استادی، ۱۴۰۰: ۱۸).

۳-۵. درگیری هویتی با شغل

یکی از دلایلی که کارهای انجام شده در این نهضت، به نتیجه مطلوب می رسیده اند، عشق به کار و ارتباط وجودی و هویتی آموزش یاران با کارشان بوده است: آموزش یار باید می توانست مردم را به انقلاب جذب کند. صرف درس دادن نبود. آنقدر حس عاطفی و رابطه ما صمیمی بود که باورتن نمی شود. خانم آموزش یار هفت سال آنجا ماند. همان کسی که گریه می کرد و می خواست برگردد، وقتی داشت از روستا می رفت، اشکش بند نمی آمد. ما واقعاً برایشان وقت می گذاشتیم یعنی از دل و جان و با اخلاص صددرصد برایشان کار می کردیم.

۴ کار انقلابی

آخرین مقوله ای از خلال مصاحبه ها استخراج کرده ایم و ناظر به معنای خاص کار در میان آموزش یاران بوده است، کار انقلابی است که با مفاهیم زیر همبسته بوده است.

۴-۱. تبلیغ و آموزش مفاهیم و احکام دینی

هر جا که می رفتند بحث احکام بود، بحث نماز بود. در کارخانه... خانم آموزش یار از حجاب دفاع کرده بود.

خانم های روستا حتی حمد و سوره نمازشان را نمی دانستند. آموزش یارها رفته بودند یک تابستان آنجا بمانند، اما دو تابستان و یک زمستان ماندند تا به خانم های روستا هم سواد یاد بدهند هم احکام دینی را (شرفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۸). هر وقت به آن روستا می رفتم، رساله هم می بردم... قبل از درس کمی احکام می گفتم، رسالت نهضت فقط آموزش خواندن و نوشتن نبود (شرفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۹).

۲-۴. تبلیغ و دفاع از مفاهیم انقلابی

معلمین نهضت بیشتر پیک انقلاب بودند. آموزشیار باید می‌توانست مردم را به انقلاب جذب کند. صرف درس دادن نبود. آخر کلاس بیست دقیقه‌ای روشنگری سیاسی هم می‌کردم.

۳-۴. احساس وظیفه در قبال انقلاب اسلامی

کار ما در نهضت بر مبنای احساس وظیفه و دستور امام بود. اجازه ندادیم پدر و مادرمان به روستا بیایند، چون می‌دانستیم اگر اینجا را ببینند دیگر نمی‌گذارند، کار کنیم. ما سرباز انقلابیم و این راهی است برای ادای دین (شرفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۳). بعدها آقای موسوی اردبیلی گفت: در زندان کتک خوردی و به ما نگفتی؟ گفتم: برای انقلاب کتک خوردم، نتیجه کتک خوردنم شد تشکیل یک کلاس دویست نفره در زندان (شرفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۸). این انقلاب که پیروز شد، این‌ها با تمام وجود آمدند توی میدان و کار انجام می‌دادند، خدمت می‌کردند. «آن همه شور و اشتیاق برای خدمت و عملی کردن فرمان امام، مگر نیاز به ترغیب مالی هم داشت؟ (استادی، ۱۴۰۰: ۲۸۷).

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا با تعدیل روش شناختی روش پدیدارشناسی شوتس، با بهره‌گیری از دیدگاه پارسا‌نیا و کشف‌المحجوب هانری کربن، به تحلیل کیفی داده‌های مصاحبه‌های شفاهی آموزشیاران نهضت سوادآموزی پرداخته شود. مطابق این تعدیل روش شناختی، درک معنای کار در نزد این آموزشیاران و نهضت سوادآموزی، از خلال تحلیل پدیدارشناختی مصاحبه‌ها، به معنای کار به مثابه عمل محسنانه رسیدیم. در مرحله بعد، عمل محسنانه را با تمرکز بر مفهوم احسان، در تفسیر میزان بررسی کردیم تا بتوان بر اساس این معانی نفس‌الامری و حقیقی، مفاهیم و معانی همبسته کار در مصاحبه‌ها را مورد اکتشاف قرار دهیم. به نظر می‌رسد معانی کنشگران در نهضت سوادآموزی، در واقعیت میدانی انقلاب اسلامی، تحت تاثیر معارف اسلامی بوده باشد. در این پژوهش نیز سعی شده است تا این ارتباط را مورد توجه قرار دهیم و مطابق این پژوهش سطوحی از معنای «احسان» در جهان اجتماعی جامعه ایرانی، در این پژوهش آموزشیاران نهضت سوادآموزی، محقق شده است.

پیشنهادهای سیاستگذاران در جهت بهبود شرایط آموزش در کشور

پرداختن به نهضت سوادآموزی در ابتدای انقلاب، یکی از اقتضائات آن روز کشور محسوب می‌شد و اکنون با گسترش آموزش عمومی و آموزش عالی، این ضرورت تا حد زیادی مرتفع شده است. اگر بخواهیم به ظواهر امر اکتفا کنیم، با رفع آن ضرورت، نیازی به مرور و بازخوانی تجربه این نهضت ضرورتی نخواهد داشت، با این حال اگر از سطح ظواهر فراتر رفته و به معنای باطنی حاکم بر فعالیت افراد حاضر بر آن نهضت دست یابیم، می‌توانیم از آن الگو برای ارتقای سطح آموزش عمومی و عالی امروز کشور بهره بگیریم. ما در این مقاله سعی کردیم با رسوخ در سطح این معانی باطنی، نشان دهیم که چگونه در این نهضت، معانی کار محسنانه در ذیل مقوله آموزش، می‌تواند به ارتقاء کمی و کیفی این امر در سطح سیاستگذاری کمک و یاری رساند. با توجه به معضلاتی که هم‌اکنون در سطح کشور درباره مخاطرات تبدیل شدن آموزش و پرورش به یک فعالیت شغلی و اقتصادی در قالب مسائلی همچون دانشگاه‌های دولتی - خصوصی یا حتی فعالیت‌های اقتصادی پیرامون کلاس‌های کنکور و نظایر آنها در کشور دیده می‌شود و بعضی از محققین از آن با عناوینی همچون نئولیرال شدن آموزش عمومی در ایران (دارکش، ۱۴۰۲) یا کالایی‌سازی دانش (قاسمی، ۱۴۰۱) یاد کرده‌اند، به نظر می‌رسد نیازمند نوعی از سیاستگذاری در امر آموزش هستیم تا بتواند از مخاطرات این شکل از آموزش و پرورش برکنار باشد. از این جهت یافته‌های این مقاله می‌تواند مورد بهره‌برداری سیاستگذاران امر آموزش، به‌خصوص در ذیل فعالیت‌های مرتبط با سند جامع تحول آموزش و پرورش یا اسناد مربوط به آموزش عالی قرار گیرد. بی‌تردید بهره‌گیری از تجربه عمیق نهضت سوادآموزی و تلقی کار آموزشی به مثابه عمل محسنانه می‌تواند به بهبود وضعیت آموزش در کشور یاری رساند و زمینه شکل‌گیری الگوی آموزشی متناسب با زیست جامعه ایرانی را مهیا سازد.

منابع و مأخذ

- استادی، مریم (۱۴۰۰). معلم حسابی: خاطرات شفاهی صدیقه جعفری نیک. راه یار: تهران. پارسانیا، حمید (۱۴۰۰). جهان‌های اجتماعی کتاب فردا: تهران.
- پارسانیا، حمید و سلطانی، مهدی (۱۳۹۰). «بازخوانی جهان‌های اجتماعی جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه». معرفت فرهنگی اجتماعی. ۳ (۱)، ۱۲۸-۱۰۷. برگرفته از: <https://marefatefarhangi.nashriyat.ir/node/88>.
- پارسانیا، حمید و طویان، سعید (۱۴۰۰). مسئله دیگری در جامعه‌شناسی پدیدارشناختی و حکمت متعالیه. ۲۹ (۱)، ۹۴-۶۷. JISS.2021.58740.1694/10.22081.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام خمینی ج ۱۱. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی: تهران.
- دارکش، محمد و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۴۰۲). «مطالعه انتقادی تحولات نئولیبرالی آموزش عمومی در ایران پس از انقلاب». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۱۲ (۱)، 1313/10.22059. JISR.2022.343647.
- شرفی، اسماعیل، کنعانی، فاطمه و مومنی، زهره (۱۴۰۰). من به این آرم اعتماد دارم. راه یار: تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن، محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۸. دفتر انتشارات اسلامی: قم.
- قاسمی، روح‌الله و یوسفی‌خواه، سارا (۱۴۰۱). سیاست‌گذاری آموزش عالی و کالایی‌سازی دانش در دهه ۸۰ شمسی. پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. ۱۰۴، ۵۲۵۴۷/۱۰/۲۸۲۹۷. IRPHE
- کمربگی، خلیل و رشیدی، مجتبی (۱۳۹۴). «مسئله‌شناسی و اولویت بندی آسیب‌ها و مسائل فرهنگی: مورد مطالعه ایلام». فرهنگ ایلام. ۱۶ (۴۸ و ۴۹)، برگرفته از: <https://www.farhangeilam.ir>.
- نهاوندی، مریم و مقدم اصل مریم (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در ایران و چهار کشور آسیایی». علوم اجتماعی. ۲۷ (۸۱)، ۲۰۹-۱۷۱. <https://doi.org/10.22054/qjss.2018.29112.1724>.
- نیکوئیان، آرزو و پارسانیا، حمید، شرفالدین، حسین و پرکان، حسین (۱۳۹۶). «نظریه معنا، مطالعه تطبیقی پرس و علامه طباطبایی». دو فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی. ۹ (۱۶)، ۵۱-۲۹. SOCI ۲۰۱۸/۱۴۵۶/۱۰/۳۰۴۷۱
- یزدانی خوراسگانی، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی میزان و عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در میان کارکنان ادارات دولتی شهر یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت انسانی. دانشگاه یزد.
- Abu Bakar, E., Masud, J., & Md. Jusoh, Z. (2006). Knowledge, attitude and perceptions of University students towards educational loans in Malaysia. *Journal of Family and Economics Issues*, 27, 692-701. DOI:10.1007/s10834-006-9035-6
- Binti Panatik S., Binti, S.K., Binti Rajab A. and Mohd. Yusof. R2012). work-family conflict and work-related attitude: The Mediating effects of stress reactions. *In-*

ternational journal of social sciences and humanity studies, 4(1). Retrieved from <https://sobiad.org/international-journal-of-social-sciences-and-humanity-studies-ijsshs/>.

Binti Panatik S.A, Binti Zainal Badri S.K., Binti Rajab A. and Mohd. Yusof.R. (2012). work-family conflict and work-related attitude: The Mediating effects of stress reactions. *International journal of social sciences and humanity studies*. 4(1), 377-387. Retrieved from <https://sobiad.org/international-journal-of-social-sciences-and-humanity-studies-ijsshs/>.

Boswell, W., Olson-Buchanan, J. (2007). The Use of Communication Technologies After Hours: The Role of Work Attitudes and Work-Life Conflict. *Journal of Management* 592-610, (4)33. DOI:10.1177/0149206307302552.

Brady, H. E., Verba, S., & Schlozman, K. L. (1995). Beyond SES: A resource model of political participation. *American Political Science Review*, 89, 271-294. <https://doi.org/10.2307/2082425>.

Brown, S.P. (1996). A Meta-Analysis and Review of Organizational Research on Job Involvement. *Psychology Bulletins*, 120, 235-255. DOI:10.1037/0033-2909.120.2.235.

Cheng, C., Chi Jung, H., & Yen-hui, O (2009). A Study of the Critical Factors of the Job Involvement of Financial Service Personnel after Financial Tsunami: Take Developing Market (Taiwan) For Example. *African Journal of Business Management*, 3(12), 798-806. DOI: 10.5897/AJBM09.083

Christensen, L.B., Johnson, R.B & Turner, L.A (2010). Research methods, design and analysis (11th ed.). Boston: Allyn & Bacon Computing and Engineering.

Eddles-Hirsch, K. (2015). Phenomenology and educational research. *International Journal of Advanced Research*, 3 (8), 251-260. Retrieved from <http://www.journal-ijar.com/article/5631/phenomenology-and-educational-research/>.

Glen, C. (2006). Key Skills Retention and Motivation: The War for Talent Still Rages and Retention Is the High Ground. *Industrial and Commercial Training*, 38, 37-45. DOI:10.1108/00197850610646034.

Gopinath, R. (2019). Job Involvement Influence to Knowledge Management—A Study. *International Journal of Research*, 8(5), 1461-1466. Retrieved from NSU-Works, College of

Haski-Leventhal, D., Bargal, D. (2008). The volunteer stages and transitions model: Organizational socialization of volunteers. *Human Relations*, 61, 67-101. <https://doi.org/10.1177/0018726707085946>.

Jiménez, María Luisa Vecina, Fuertes, Fernando Chacón and Sueiro Abad, Manuel J. (2010). Differences and Similarities among Volunteers Who Drop out During the first Year and Volunteers Who Continue after eight Years. *The Spanish Jour-*

- nal of Psychology 343-352 ,(1)13. . DOI:10.1017/S1138741600003905.
- Joby Jose & Panchanatham, N. (2014). Influence of Job Satisfaction and Organizational Commitment on Job Involvement towards Organizational Effectiveness. *Indian Journal of Applied Research* .280-282 ,(1)4 .DOI:10.15373/2249555X/JAN2014/81.
- Joiner, T. A., & Bakalis, S. (2006). The Antecedents of Organizational Commitment: The Case of Australian Casual Academics. *International Journal of Educational Management* .439-452 .20 .DOI:10.1108/09513540610683694.
- Kanungo, R. N. (1982). Measurement of Job and Work Involvement. *Journal of Applied Psychology* 341-349 ,(3)67. . DOI:10.1111/j.2044-8325.1982.tb00079.x.
- Khan, K., & Nemati, A. R. (2011). Impact of Job involvement on Employee Satisfaction: A Study Based on Medical Doctors Working at Riphah International University Teaching Hospitals in Pakistan. *African Journal of Business Management*. 2241-2246 ,(6)5. Retrieved from <https://academicjournals.org/journal/AJBM>.
- Lodahl, T.M. and Kejner, M.M. (1965). The Definition and Measurement of Job Involvement. *Journal of Applied Psychology*. 49. 24-33. <https://doi.org/10.1037/h0021692>
- Lubakaya, C. W. (2014). Factors Affecting Job Involvement in an Organization: A Case of Nzoia Sugar Company Limited. *International Journal of Innovative Research & Development*. 3(6). 77-105. Retrieved from <https://sdbindex.com/Document/document>.
- Merriam, S. (2009). *Qualitative Research: A Guide to Design and Implementation*. San Francisco: Jossey-Bass
- Meyer, J. P., Allen, N. J., & Topolnysky, L. (1998). Commitment in a changing world of work. *Canadian Psychology*. 39(1-2). 83. Retrieved from <https://cpa.ca/membership/cpajournals/canadianpsychology/>.
- Othman, Abang Ekhsan Abang and Suleiman, Wasilu. (2013). An analysis of causes of poor attitude to work. *Social and Behavioral Sciences*. 97. 194 – 200. DOI:10.1016/j.sbspro.2013.10.222.
- Penner, L. A. (2002). Dispositional and organizational influences on sustained volunteerism: An interactionist perspective. *Journal of Social Issues*. 58. 447-467. DOI:10.1111/1540-4560.00270.
- Schleicher, D. J., Hansen, S. D., & Fox, K. E. (2011). Job attitudes and work values. In S. Zedeck (Ed.). *APA handbook of industrial and organizational psychology*. 3. 137–189. <https://doi.org/10.1037/12171-004>.
- Schütz, A. (1962). *Collected papers I: The problem of social reality (3rd ed.)* (M. Natanson, Ed.). The Hague. Netherlands: Martinus Nijhoff.

Schütz, A. (1982). Life forms and meaning structure (H. Wagner, Ed. & Trans.). London: Routledge & Kegan Paul.

Sedgwick, R. (2000) Education in Post-Revolutionary Iran. World Education News and Reviews. Vol 13, no 3. Retrieved from <https://wenr.wes.org/>.

Tukamuhabwa B.R, (2012), Antecedents and Consequences of Public Procurement Non- Compliance Behavior. Journal of Economics and Behavioral Studies. Vol. 4, No. 1. 34-46. DOI:10.22610/jebs.v4i1.300.